

Russian Culture and National Security

***Jahangir Karami
Elahe Karimi***

ABSTRACT

Three decades have been passed since the collapse of the Soviet Union and the formation of a new Russia, and the country is still facing the problems and difficulties caused by that great crisis. One of the most important issues for Russia today is its relationship with the West especially after the Ukraine crisis in 2014, has become a complex issue with no clear prospects for resolving it. In the absence of past ideological foundations and in a comprehensive confrontation with the West, Moscow has reconsidered Russian culture and traditions, and this concept has been seriously addressed in the country's new national security document. The main question in this article is how the concept of culture is reflected in Russia's security strategy? In response to this hypothesis, "culture has emerged in Russia's security strategy as a fundamental category of the three functions of legitimizing ideology, national identity mission, and valuable vulnerable assets." The research method is "qualitative content analysis of existing documents and data" based on the two variables of culture and security and their indicators and then the analyzes in books, articles, reports, and comments of intellectual, political and security elites.

KeyWords: *National Security, Russia, the West, Culture, Identity.*

فرهنگ و امنیت ملی روسیه

جهانگیر کرمی^۱

الهه کریمی^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

چکیده

سه دهه از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری روسیه جدید می‌گذرد و هنوز هم این کشور، دستخوش تلاطم‌ها و مشکلات ناشی از آن بحران بزرگ است. یکی از مسائل مهم امروز روسیه، نسبت آن با غرب است که به‌ویژه پس از بحران اوکراین، به یک مسأله پیچیده تبدیل شده که چشم‌انداز روشنی برای حل آن وجود ندارد. در نبود مبانی ایدئولوژیک گذشته و در رویارویی همه‌جانبه با غرب، مسکو به بازاندیشی در مقوله فرهنگ و سنت‌های روسی روی آورده و این مفهوم، در رفتار دولت و نیز سند جدید امنیت ملی این کشور به شکل جدی مطرح شده است. پرسش اصلی در این مقاله آن است که مفهوم فرهنگ چگونه در راهبرد امنیتی روسیه بازتاب یافته است؟ در پاسخ این فرضیه گفته شده «فرهنگ در راهبرد امنیتی روسیه به‌عنوان مقوله‌ای بنیادین، با سه کارکرد ایدئولوژیک و مشروعیت‌بخش، رسالت‌گرا و هویت‌بخش و نیز چون یک دارایی ارزشمند و در معرض آسیب مطرح شده و این نشان‌دهنده تحولی اساسی در راهبرد امنیتی ملی روسیه است». روش تحقیق نیز «تحلیل محتوای کیفی اسناد و داده‌های موجود» است که براساس دو متغیر فرهنگ و امنیت و شاخص‌های آن‌ها کوشش شده تا اسناد راهبردی روسیه به‌ویژه سند امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۲۱، از نظر مفهوم فرهنگ بررسی، سپس براساس متون و تحلیل‌های موجود در کتب، مقالات، گزارشات و اظهارنظرهای نخبگان فکری و سیاسی و امنیتی به این مسأله پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها

امنیت ملی؛ روسیه؛ غرب؛ فرهنگ؛ هویت.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مطالعات روسیه و اوراسیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Jkarami@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه مطالعات روسیه و اوراسیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Ekarimi@ut.ac.ir

مقدمه

اتحاد شوروی، از زمان اصلاحات گورباچف تا زمان فروپاشی و سپس روسیه جدید، از زمان دولت غرب‌گرای یلتسین تا دولت غرب‌ستیز پوتین، دستخوش تحولات مهمی در حوزه سیاست و امنیت شده و یکی از ژرف‌ترین و بنیادی‌ترین این تحولات، به مقوله اندیشه و ایدئولوژی به‌عنوان بنیانی برای شکل‌دهی به راهبرد سیاسی و امنیتی آن مربوط است. دولت روسیه به‌ویژه در دو دهه گذشته در روند دورشدن از سیاست‌های غرب‌نگر دوره گورباچف (سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰) و در طرد بنیان‌های ایدئولوژیک سوسیالیستی و لیبرالیستی، در پی یافتن مبانی فکری و اندیشه‌ای جدیدی به‌عنوان جایگزین آن‌ها برآمده و در این راستا، به فرهنگ و سنت‌های بومی روسیه توجه ویژه‌ای کرده است. این موضوع در رفتارهای دولت روسیه و نیز در جدیدترین و جدی‌ترین شکل آن در سند راهبرد امنیت ملی روسیه در تابستان ۲۰۲۱ مطرح شده است.

از این رو، یک پرسش اصلی و کلیدی در ارتباط با سیاست دولت روسیه آن است که مفهوم فرهنگ چگونه در راهبرد امنیتی این کشور بازتاب یافته است؟ طبعاً پاسخ به این پرسش مستلزم آن است که بتوانیم پاسخ پرسش‌های فرعی دیگر را نیز روشن کنیم. اینکه فرهنگ چه رابطه‌ای با امنیت ملی دارد؟ ویژگی‌های اصلی و نوپدید راهبرد امنیت ملی روسیه کدامند؟ فرهنگ روسیه در سه دهه اخیر چگونه قابل درک است و با چه مسائلی روبرو شده است؟ و فرهنگ چگونه در مفاد اساسی راهبرد امنیت ملی روسیه مطرح شده است؟

اگر چه در این مقاله کوشش شده تا به همه پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ داده شود، اما کوشش اصلی نگارندگان آن بوده تا بر یافتن پاسخی روشن برای پرسش اصلی متمرکز شوند؛ از این رو، فرضیه‌ای که ارائه می‌شود آن است که «مفهوم فرهنگ در راهبرد امنیتی روسیه به‌عنوان مقوله‌ای بنیادین با سه کارکرد ایدئولوژیک و مشروعیت‌بخش، رسالت‌گرا و هویت‌بخش و چون یک دارایی ارزشمند و در معرض آسیب مطرح شده است و این، نشان‌دهنده تحولی اساسی در راهبرد امنیتی ملی روسیه است». از نگاه دولتمردان روس، در نبود یک ایدئولوژی سیاسی و در تقابل فزاینده فکری و سیاسی این دولت با جهان غرب و برای توجیه افکار عمومی داخلی، کوشش‌های فراگیری برای

تمرکز بر مقوله فرهنگ به عمل آمده و از جمله این کوشش‌ها، توجه فزاینده به این موضوع در راهبرد امنیتی ملی جدید روسیه است.

روش پژوهش در این مقاله «تحلیل محتوای کیفی اسناد و داده‌های موجود» است که براساس دو متغیر فرهنگ و امنیت و شاخص‌های آن‌ها، کوشش شده تا عملکرد امنیتی و نیز سند راهبردی امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۲۱ از نظر مفهوم فرهنگ بررسی شود، سپس براساس متون و تحلیل‌های موجود در کتب، مقالات، گزارشات و اظهارنظرهای نخبگان فکری و سیاسی و امنیتی روسیه، که عمدتاً به زبان روسی و بعضی نیز به زبان انگلیسی و فارسی بوده، به چرایی و چگونگی ورود و تنظیم مقوله فرهنگ بپردازیم.

برای بررسی این فرضیه کوشش کردیم تا سازمان‌دهی مقاله را براساس دو متغیر فرهنگ و امنیت تنظیم کرده و مفاهیم اصلی فرضیه را به بحث و آزمون تحلیلی بگذاریم. از این رو، نخست به ارائه یک چارچوب نظری و مدل تحلیلی از رابطه فرهنگ و امنیت پرداخته و سپس با نگاهی به سند راهبرد امنیت ملی جدید روسیه در تابستان ۲۰۲۱، کوشش شده تا وضعیت امنیتی و نگاه به آن‌را از منظر دولت و نیز تحلیل‌گران این حوزه به بحث بگذاریم لذا وضعیت فرهنگی روسیه در سه دهه اخیر را مطرح کردیم. مبحث بعدی جایگاه مقوله فرهنگ در سند امنیتی جدید است و سرانجام، با تحلیل یافته‌های این تحقیق به نتیجه‌گیری از مباحث می‌پردازیم.

یک) مبانی نظری و مدل تحلیلی فرهنگ و امنیت

در مورد شکل‌گیری راهبرد امنیت ملی کشورها در حوزه نظریه‌پردازی علوم انسانی و به‌ویژه مطالعات روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و امور راهبردی، مباحث گسترده‌ای مطرح شده است و نگارندگان در این مجال اندک، می‌کوشند تا با اشاره به این تلاش‌های نظری، چارچوبی را برای تحلیل داده‌های خود در ارتباط با فرهنگ و راهبرد امنیتی روسیه ارائه کنند.

اساساً مفهوم امنیت ملی از بر ساخته‌های پس از جنگ جهانی دوم است و برای مطالعه آن تلاش می‌شد تا در حوزه مطالعات راهبردی، آن‌را در چارچوب نظریه‌های «واقع‌نگر» مورد توجه قرار دهند. اما از ابتدای دهه ۱۹۷۰، به ابعاد نرم‌افزاری و به‌ویژه مقوله اقتصاد و توسعه تأکید بیشتری شد، سپس از اوایل دهه ۱۹۹۰ در نظریه‌های «سازمان‌نگار» نگاهی «فرهنگی» تر به امنیت ملی آغاز شد که در کنار وجوه نظامی و اقتصادی، امر امنیت ملی را درهم‌تنیده با هنجارها، ارزش‌ها و سنت‌های

یک ملت دانسته و آن را موضوعی بینشی، هویتی و مرتبط با روح ملی می‌پندارند و این، تحولی مهم بود.

کنزشتاین در کتاب فرهنگ امنیت ملی در تحلیل راهبرد امنیت ملی بر دو عامل تعیین‌کننده «زمینه فرهنگی و نهادی سیاست‌گذاری» و «هویت برساخته دولت‌ها» تأکید می‌کند. از این نگاه، در هر مطالعه‌ای درباره سیاست امنیت ملی، باید به عوامل اجتماعی، هنجارها و هویت‌ها توجه کرد و مفهوم «فرهنگ» برچسب گسترده‌ای است که معیارهای شناختی مانند قواعد و الگوها، معیارهای ارزش‌گذاری مانند هنجارها و ارزش‌ها و معیارهای نمادین و رفتاری را دربرمی‌گیرد (کنزشتاین، ۱۳۹۰:۱۶).

البته توجه فرهنگی به امر سیاسی و مقولات راهبردی، ریشه در نگرش‌های پیشین جامعه‌شناسی دارد و از «ماکس وبر» تا «پیر بوردیو» برای فهم کنش اجتماعی، فراتر از مقولات اقتصادی و طبقاتی، بر امر فرهنگ تأکید شده است. اما نگرش فرهنگی به راهبرد امنیت ملی امری نوپدید است و همان‌گونه که در فراز پیشین اشاره شد، در دوران پس از جنگ سرد به موجی از مطالعات راهبردی و امنیتی شکل داده است. در این رابطه باید به کتاب «فرهنگ و امنیت» اثر مایکل ویلیامز اشاره کرد که او نیز مدعی است فرهنگ، بُعد مهمی از قدرت به‌شمار می‌رود. ویلیامز بر صورت‌بندی عرصه امنیت تأکید دارد که در آن، قدرت نظامی و مادی، در عین حفظ برجستگی و اهمیت خود، جایگاه تازه‌ای در درون آنچه می‌توان «میدان فرهنگی امنیت» نامید، به خود اختصاص می‌دهد (ویلیامز، ۱۳۹۰:۱۸-۱۷).

با نگاهی به بررسی انجام‌شده در باب نظریه‌های امنیت ملی، می‌توان آن را در چارچوب سه نظریه کلان واقع‌نگری، نهادگرایی و برساخت‌گرایی و به شکل زیر ترسیم کرد:

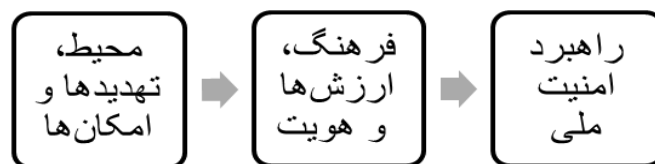
برساخت‌گرایی و راهبرد امنیت ملی	نهادگرایی و راهبرد امنیت ملی	واقع‌گرایی و راهبرد امنیت ملی
<ul style="list-style-type: none"> • نگرش • ارزش • هنجار • تعامل 	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه • نهاد • همکاری • جامعه امن 	<ul style="list-style-type: none"> • قدرت • محیط • رقابت • موازنه

شکل ۱. مدل تحلیلی راهبرد امنیت ملی

منبع: نگارندگان

طبعاً در نظریه واقع‌گرایی، راهبرد امنیت ملی تابعی از میزان قدرت و متأثر از ساختارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که به رقابت میان دولت‌ها می‌انجامد و تنها با بهره‌گیری از قدرت بازدارنده و موازنه‌بخش است که می‌توان امنیت را تأمین کرد. در نظریه نهادی یا لیبرال مطالعات بین‌المللی، میزان توسعه‌یافتگی یک کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که موجب نهادینگی امر سیاست و شکل‌گیری راهبرد امنیت ملی مبتنی بر همکاری در محیط بین‌المللی می‌شود و در نتیجه، با همکاری و همگرایی منطقه‌ای است که جامعه امن در داخل و خارج محقق خواهد شد.

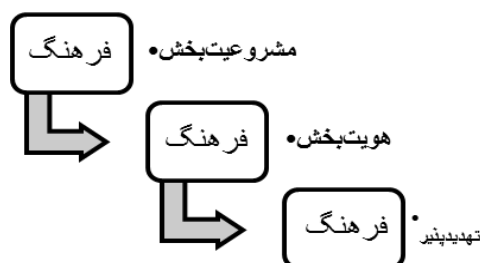
اما در نگرش برساختی یا سازه‌انگار روابط بین‌المللی، مقوله فرهنگ و ابعاد آن مانند نگرش‌ها، بیش‌ها، ارزش‌ها و هنجارها نقش مهمی در شکل‌دهی و کارکرد راهبرد امنیت ملی داشته و در نتیجه، به تعاملاتی شکل می‌دهد که مستعد موازنه، همکاری یا حتی جنگ خواهد بود. توجه به امر فرهنگ در رفتار داخلی و خارجی و نیز راهبرد امنیت ملی دولت‌ها، لزوماً به معنای مفروض گرفتن آن به‌عنوان متغیر مستقل نیست بلکه بر این باوریم که فرهنگ، متغیر مهم و دخیل است و عمدتاً هم به‌عنوان متغیر میانگین در شکل‌گیری راهبرد امنیتی کشورها حضور دارد.



شکل ۲. جایگاه فرهنگ در شکل‌گیری راهبرد

منبع: نگارندگان

در مورد چگونگی روابط فرهنگ و امنیت ملی، بیلانژیک سه نوع رابطه را مطرح کرده که عبارتند از تأثیر فرهنگ بر تعریف امنیت ملی و فرایند تصمیم‌گیری در زمینه امنیت ملی (فرهنگ امنیت ملی)، فرهنگ به‌عنوان یک حوزه متمایز از امنیت ملی و فرهنگ به‌عنوان یک هدف مورد تهدید (Bilandžić, 2018: 227). این مدل برای بحث رابطه فرهنگ و امنیت در روسیه به‌ویژه در سند امنیتی جدید بسیار کاربرد دارد از این رو، آن را با جرح و تعدیل به شکل زیر مطرح می‌کنیم:



شکل ۳. وضعیت فرهنگ در نسبت با امنیت

منبع: نگارندگان

هدف از این مرور کوتاه، رسیدن به بنیانی مفهومی و نظری به ویژه متکی بر نظریه‌های سازه‌انگار حوزه مطالعات انسانی و اجتماعی برای بررسی رابطه مقوله فرهنگ و راهبرد امنیتی روسیه بود که چگونگی آنرا در مباحث بعدی ارائه می‌کنیم.

دو راهبرد امنیت ملی از فروپاشی تا بازیابی قدرت

روسیه از آن دسته دولتهایی است که مسائل نظامی، امنیتی، تهدیدات و به‌کارگیری قدرت نظامی در آن بسیار پررنگ است و در صدر اولویت‌های آن قرار دارد. راهبرد امنیت ملی روسیه از سال ۱۹۹۱ تا امروز دچار تغییرات مهمی شده و این تغییرات، متأثر از عوامل گوناگونی چون نخبگان سیاسی حاکم بر کشور، نگرش کلان دولت و گفتمان اصلی نظام سیاسی، بازسازی اقتصادی، نظامی و احیای نقش و نفوذ در مسائل منطقه‌ای و جهانی، شرایط محیطی و روابط با غرب و دیگر دولت‌های منطقه، شکل‌گیری و تحول جریان‌های سیاسی در محیط پیرامونی، تلاش دولت‌های نوپا در جست‌وجوی متحدان خارجی و درک تهدیدهای نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بوده است.

از نگاه تحلیل‌گران غربی، روسیه، امروز یکی از بزرگترین قدرت‌های تجدیدنظرطلب در جهان است که تصمیم دارد به نظم جهانی لیبرال پایان دهد و در پی آن است که در حوزه اوراسیایی، منطقه میان دریای سیاه و دریای بالتیک را کنترل کند (پل، ۲۰۱۹) از این رو، روسیه راهبردی امنیتی و نظامی برای تهدید غرب و آن هم تهدیدی وجودی، در پیش گرفته و با اقدامات اخیر

1. Paul

خود، از جمله تجاوز به اوکراین، استقرار تسلیحات و نیروی نظامی در کالینینگراد (در کنار کشورهای بالتیک)، تمرینات نظامی سالانه زیاد با بلاروس و تمرینات وستوک -۲۰۱۸، غرب را نگران کرده است (پل، ۲۰۱۹). طبق برآورد سالانه آژانس اطلاعات ملی آمریکا در سال ۲۰۲۱، «روسیه به اقدامات تحریک‌آمیز برای تضعیف هنجارهای بین‌المللی و نهادهای غربی، شکل‌دهی به رویدادهای جهانی به‌عنوان یک بازیگر اصلی در یک نظم بین‌المللی چندقطبی جدید ادامه می‌دهد» (ارزیابی تهدید سالانه^۱، ۲۰۲۱: ۹-۱۲).

بررسی وضعیت امنیتی روسیه از زمان فروپاشی شوروی تاکنون نشان می‌دهد این کشور در سه دهه ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ با مجموعه‌ای از مشکلات و مسائل روبرو بوده که فصل مشترک همه آن‌ها در تعامل و تقابل با غرب خلاصه می‌شود؛ طوری که حتی مشکلات امنیتی داخلی نیز عمدتاً در نسبت با سیاست‌ها و مواضع غرب و به‌ویژه آمریکا قابل بررسی هستند. در دهه ۱۹۹۰ که دوران گسیختگی و تحقیر روسیه از سوی غرب بود، نابسامانی‌های داخلی و مشکلات پیرامونی به‌گونه‌ای این کشور را در چنبره خود گرفته بود که حتی از سوی تحلیل‌گران امکان فروپاشی دوباره مطرح می‌شد. اما با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰، شرایط به گونه دیگری رقم خورد و دولت روسیه با برخورد نظامی شدید با منابع نامنی داخلی و سامان‌بخشی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از یک سو و حضور مستقل و قدرتمندانه در محیط بین‌المللی از سوی دیگر، به منابع نامنی خارجی واکنشی متفاوت نشان داد (هیل و گادی، ۱۳۹۸: ۹۷).

از این رو، روسیه وارد مرحله بازبانی تدریجی قدرت شده و از سال ۲۰۰۸ و در جریان بحران گرجستان وارد عملیات نظامی در محیط خارجی شد. ورود به عملیات نظامی در اوکراین و تصرف کریمه در سال ۲۰۱۴ و سپس از سال ۲۰۱۵ با آغاز عملیات نظامی در سوریه، کرملین، گام را فراتر از حوزه خارج نزدیک نهاده و پس از سه دهه از زمان خروج ارتش سرخ از افغانستان، معادلات منطقه‌ای و ژئواستراتژیک را مورد هدف راهبرد امنیتی و نظامی خود قرار داد. سیاست منطقه‌ای روسیه در منطقه خاورمیانه که متکی بر موازنه منطقه‌ای و حضور محدود و مؤثر بود موجب شد تا

با سردرگمی آمریکا و سیاست خروج تدریجی در راستای سیاست «چرخش به شرق»، عملاً در کانون توجهات منطقه‌ای قرار بگیرد و به افزایش نفوذ خود در منطقه پردازد (برنشتاین^۱، ۲۰۲۱).

برای بحث و بررسی در مورد راهبرد امنیت ملی روسیه، یکی از مهم‌ترین منابع در دسترس و مهم برای درک و تحلیل، اسناد راهبردی این کشور به‌ویژه اسناد راهبردی هستند که در سال‌های ۱۹۹۷، ۲۰۰۰، ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ نوشته شده‌اند. در تازه‌ترین سند راهبرد امنیت ملی این کشور که در ۲ ژوئیه ۲۰۲۱ (۱۱ تیر ماه ۱۳۹۹) در ۴۴ صفحه و پس از تصویب رییس‌جمهور منتشر شد، می‌توان چشم‌انداز آینده رفتار امنیتی روسیه را ملاحظه کرد. این سند در چهار بخش به اصول کلی، محیط بین‌المللی، اولویت‌های ملی و راهبرد تأمین امنیت ملی روسیه برای یک دوره ۶ ساله می‌پردازد و در واقع، جامع‌ترین سند ملی و درحقیقت، یک راهبرد کلان (Grand Strategy) است. همچنین، در سند مذکور تأکید شده که توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور و محافظت از بنیان‌های معنوی آن، ارتباط ناگسستنی دارد و امنیت ملی روسیه نه‌تنها موشک و تانک بلکه ارزش‌های سستی آن است و اهمیت آن‌ها برای توسعه پایدار این کشور از زرادخانه‌های هسته‌ای آن کمتر نیست و به تعبیر سربریانین «معنویت با سرنیزه برابر شد» (نقره‌ای^۲، ۲۰۲۱).

تغییر در مفاهیم و اصول سند راهبرد امنیتی روسیه نشانگر چگونگی درک رهبری روسیه از چالش‌های امنیتی داخلی و خارجی است که این کشور در سال‌های اخیر با آن روبرو بوده است. تقریباً در هر حوزه‌ای از هشت اولویت ملی مسکو، از نظامی تا اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فنی، دولتی، اطلاعاتی و غیره، به اقدامات غرب برای تضعیف منافع ملی روسیه اشاره شده است (۲۰۲۱). بوجانان نیز حذف اهداف و منافع مشخص در روابط با اروپا و ایالات متحده را از سند استراتژیک جدید، نشانگر تولد دوباره روسیه مستقل دانسته و آن‌را خبر بدی برای واشنگتن می‌بیند؛ چراکه برخلاف سند سال ۲۰۱۵ که بر علاقه به «ایجاد مشارکت کامل با ایالات متحده» براساس «منافع مشترک» تأکید داشت، در اینجا از ناپدیدشدن «زمینه‌های مهم مشارکت» بین روسیه و ایالات

1. Bernstein
2. Серебряный
3. Karoor

متحده سخن رفته و به نظر می‌رسد روسیه اکنون عزم خود را برای پنج سال آینده و «تنهایی به پیش بردن» جزم کرده است (بوکان^۱، ۲۰۲۱).

از این رو، راهبرد امنیتی روسیه به‌طور جدی دگرگون شده و محتوای سند جدید فراتر از یک به‌روز رسانی ساده است. از نگاه بسیاری از تحلیل‌گران، تغییرات در سند راهبرد امنیت ملی در تیرماه ۱۴۰۰، بسیار فراتر از روند قبلی و یک دگردیسی افق‌گشایانه (پارادایم سیفت) است. در این سند پس از بررسی محیط امنیتی روسیه در جهان جدید و روندها و امکانات آن، به ذکر اولویت‌های ملی این کشور پرداخته و براساس آن‌ها، راهبردهای امنیتی ملی را در ۹ بند و به شرح زیر بیان کرده است:

۱. حمایت از مردم روسیه و توسعه ظرفیت انسانی؛
 ۲. دفاع از کشور؛
 ۳. امنیت عمومی و دولتی؛
 ۴. امنیت اطلاعات؛
 ۵. امنیت اقتصادی؛
 ۶. توسعه علمی و فناوری؛
 ۷. ایمنی محیط زیست و استفاده منطقی از منابع طبیعی؛
 ۸. حفاظت از ارزش‌های معنوی و اخلاقی سنتی، فرهنگ و حافظه تاریخی؛
 ۹. ثبات راهبردی بین‌المللی و مشارکتی (استراتژی امنیت ملی^۲، ۲۰۲۱).
- راهبرد امنیت ملی روسیه یک نگاه کلان و مبتنی بر مفهوم «امنیت جامع» است که امنیت را بسیار فراتر از موضوعات نظامی و اطلاعاتی دانسته و از اقتصاد، علم و فناوری تا اجتماع، فرهنگ و محیط زیست را دربرمی‌گیرد از این رو، بر حمایت از خانواده، مادران، کودکان، سالخوردگان، افزایش جمعیت، کاهش فقر، بهبود خدمات اجتماعی، بهداشت عمومی، خدمات اجتماعی و بهبود کیفیت آموزش عمومی به‌عنوان نخستین اولویت راهبرد امنیت ملی تأکید شده است.

1. Buchanan
2. Стратегия национальной безопасности

نکته جالب در این سند در مقایسه با سند ۲۰۱۵ و اسناد مسبوق بر آن، تأکیدی است که بر مردم و ظرفیت‌های انسانی، سنت‌های معنوی و ارزش‌های تاریخی به‌عنوان اولویت‌های ملی است. این موضوعات برای نخستین بار است که مورد توجه نخبگان سیاسی و امنیتی این کشور قرار گرفته‌اند و نشان‌دهنده واکنش به شرایط جدید جهانی و ملی است (سرگیوسکایا^۱، ۲۰۲۱).

از این رو، توجه به فرهنگ و سنت‌های روسی از ویژگی‌های مهم این سند جدید است و مواردی چون تقویت یکپارچگی اجتماعی، هماهنگی بین اقوام و ادیان، حفظ هویت مردم چندملیتی فدراسیون روسیه، حفاظت از حقیقت تاریخی، حفظ حافظه تاریخی، مقابله با جعل تاریخ، حفظ خانواده سنتی ارزش‌ها، تداوم نسل‌های روسی، تقویت آگاهی جمعی از نقش سنت‌ها و ارزش‌های معنوی، اخلاقی، فرهنگی و تاریخی، طرد ایده‌های تخریبی، کلیشه‌ها و مدل‌های تحمیل‌شده از خارج، توسعه سیستم آموزش و پرورش به‌عنوان بنیان شکل‌گیری شخصیت معنوی، اخلاقی و میهنی شهروندان، پشتیبانی از زبان روسی به‌عنوان زبان دولتی و محافظت از جامعه روسیه در برابر ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های فرهنگی بیگانه از اهمیت زیادی در راهبرد امنیتی این کشور برخوردار شده‌اند (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۲۱).

لذا دولت روسیه راهبردی امنیتی در پیش گرفته که همه مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پوشش داده و به آن‌ها با نگاه امنیتی برخورد می‌کند؛ موضوعی که از نگاه مکتب امنیتی کپنهاگ که بر «غیر امنیتی‌سازی» پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دولت‌ها تأکید دارد، مغایر یک سیاست امنیتی جامع و کارآمد است.

بررسی کوتاه سند راهبرد امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که این کشور خود را در محاصره قدرت‌های خارجی می‌بیند و این موضوع علاوه بر تهدیدات نظامی و سخت‌افزاری، مجموعه‌ای از تهدیدات نرم‌افزاری فرهنگی، اجتماعی، ارزشی، اخلاقی، اطلاعاتی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد و راهبرد این کشور برای مقابله با گستره این تهدیدات نیز از قدرت نظامی و بازدارندگی هسته‌ای تا تقویت اقتصادی و مصونیت اجتماعی و حفظ سنت‌ها را شامل می‌شود.

روند تحول نگرش‌ها و گفتمان‌های کلان سیاسی کشور، تغییر شرایط محیط امنیتی روسیه و دگرگونی رفتار دولت‌های جداشده از شوروی پس از انقلاب‌های رنگی و بسط روابط با غرب،

1. Сергиевская

موجب شده تا راهبرد امنیت ملی روسیه توجه بیشتری به عوامل فرهنگی نشان دهد و این تحول را می‌توان از اسناد امنیت ملی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و سپس سند ۲۰۲۱ به روشنی دریافت.

سه) فرهنگ معاصر روسی و مخاطرات آن

فرهنگ مردمان روس از زمان نظام قبایلی اسلاوهای شرقی تا شکل‌گیری نخستین دولت روسی در سده نهم میلادی، سپس گرایش به مسیحیت ارتدوکس و تعاملات آن با فرهنگ مردمان مجاور و نیز مسلمانان تا مواجهه با فرهنگ نو غربی در تحول بوده است و امروزه می‌توان نشانه‌هایی از این تحولات و تعاملات را در فرهنگ روس‌ها مشاهده کرد؛ اما آنچه که ماندگارترین وجوه فرهنگ و سنت‌های روسی را شکل داده، عمدتاً از مسیحیت ارتدوکس و تحولات سده‌های هفدهم تاکنون، از جریان‌های فکری غربی و به‌ویژه کمونیسم و لیبرالیسم است.

توجه به فرهنگ روس از زمان فروپاشی شوروی به تدریج افزایش یافته و در ازدست‌رفتن ایدئولوژی کمونیسم که اقتصاد را امر زیربنایی می‌دانست و ناکامی در روی آوردن به ایدئولوژی لیبرالیستی دوره یلتسین، موضوع فرهنگ ملی روس به امری حیاتی برای پایداری انسجام و قدرت ملی تبدیل شده است. از نگاه نخبگان روس، فرهنگ مقوله‌ای است که برای تقویت مبانی ملت و دولت بسیار اساسی است و ساپریکین یکی از محققان روس، با اشاره به لزوم بررسی فرهنگ و آموزش و پرورش به‌عنوان حوزه‌های مهم حیات اجتماعی تأکید می‌کند «اولاً فرهنگ، عنصر اصلی زندگی هر فرد و هر جامعه‌ای است؛ ثانیاً به گفته بردیایف، اهداف جامعه نه در سیاست و نه در اقتصاد، بلکه در فرهنگ تحقق می‌یابند. فرهنگ روح واقعی مردم و خودآگاهی آن‌ها است؛ ثالثاً، فقط در فرهنگ است که جهان معنوی یک فرد و ویژگی‌های اساسی او آشکار می‌شود و تحقق می‌یابد و وارد جامعه می‌شود و چهارم، فرهنگ هر ملتی ویژگی‌های اصیل و منحصربه‌فردی دارد که بیانگر درک آن‌ها از جهان و فراگیری آن است. تا زمانی که فرهنگ مردم زنده است، آن‌ها زنده هستند». (ساپریکین^۱، ۱۹۹۷).

بسیاری از نخبگان روس اعتقاد دارند با توجه به موقعیت جغرافیایی، ماهیت چندقومیتی و چنددینی روسیه که شرق و غرب را با هم ترکیب می‌کند، خصوصیت فرهنگی و مبانی ارزشی

1. Сапрыкин

جامعه روسیه، تعیین‌کننده مسیر تاریخی این کشور است. در باور روس‌ها آنچه شخصیت روسی را منحصر به فرد و تکرارنشدنی می‌کند عبارت است از ذهنیت روسی که در شرایط خاص طبیعی جغرافیایی شکل گرفته است؛ منحصر به فرد بودن تاریخ، دین و زبان آن‌ها و همچنین درهم آمیختگی پیچیده ویژگی‌های اروپایی و آسیایی (اوستافیف^۱، ۲۰۲۱).

همانند هر فرهنگ دیگری، فرهنگ مردمان روس نیز در معرض پدیده‌های جدید در دنیای امروز است و در روسیه امروزی، ارزش‌های جامعه مصرفی و فرهنگ «اوقات فراغت محور» گسترش روزافزونی دارند و باعث صدمه خوردن مبانی اخلاقی جامعه شده‌اند. از نگاه خود روس‌ها، مبانی اخلاقی جامعه در دهه‌های اخیر در حال تضعیف هستند. طبقه متوسط در حال از بین رفتن است و جامعه به سمت قطبی شدن پیش می‌رود. فرهنگ ملی تضعیف شده و روش‌های قومی - ملی‌گرایانه تقویت می‌شود که این امر منجر به تجزیه فرهنگی و قومی جامعه خواهد شد. همچنین، توسعه اجتماعی به صورت نامتناسب انجام می‌گیرد و مؤسسات محلی و منطقه‌ای جهت پیشرفت در حوزه‌های سستی، صنعتی، پسا صنعتی و اطلاعاتی گام برمی‌دارند. مدل‌های کنونی آموزش و پرورش، حکایت از وضعیت بحرانی دارد و فرهنگ عالی با فرهنگ عوام و حامی ارزش‌های مصرف‌گرایانه، جایگزین می‌شود. رسانه‌های جمعی، مفاهیم و اندیشه‌های سیاسی و تبلیغات نقض‌کننده منافع امنیت ملی، حاکمیت و مبانی قانون اساسی را منتشر می‌کنند. فرآیند جهانی شدن، مردم و جامعه را ملزم به اتکا به فناوری‌های جدید می‌کند که در شرایط تغییر مداوم محیط اجتماعی و نوآوری‌های تکنولوژی دشوار است. توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مانند داده‌های بزرگ، اینترنت اشیا، رایانش ابر و مه، رباتیک و بیوتکنولوژی، منجر به شناسایی داده‌ها و از بین رفتن امنیت شخصی، افزایش احتمال تهدید برای تأسیسات صنعتی، تغییر در ساختار اشتغال و اصول طبقه‌بندی اجتماعی و ظهور اصول جدید تقسیم جامعه شده است (کوستینا^۲، ۲۰۲۰: ۱۰).

برای بسیاری از روس‌ها تهاجم فرهنگی غرب چیز جدیدی نیست و یادآور تجربه پراسترویکا و دوره اصلاحات لیبرال است؛ دوره‌ای که در ذهن روس‌ها تداعی‌گر شکست در جنگ سرد،

1. Евстафьев
2. Костина

فروپاشی یک امپراتوری قدرتمند و غارت کشوری ثروتمند است. در واقع پراسترویکا به وضوح نشان داد که تخریب فرهنگ، مردم را از نظر روحی ویران می‌کند و منجر به انحطاط می‌شود. به طور کلی این امری بدیهی است که از بین رفتن فرهنگ ملی در نهایت با اضمحلال ملت پایان می‌یابد. مهم‌ترین اتفاقی که در دوران اصلاحات در حوزه فرهنگی و اجتماعی رخ داد، مبارزه با سیستم‌های قبلی روابط اجتماعی و جهت‌گیری‌های ارزشی روس‌ها و اقوام دیگر بود؛ یعنی چیزی که در طول یک سنت تاریخی هزارساله توسعه یافته و در قرن بیستم تثبیت شده بود. جامعه در دوره مذکور، شاهد جهش سریعی در تغییر روش زندگی بود و شیوه زندگی جمعی روسی به شیوه‌های فردگرایانه غربی تغییر پیدا کرد. امپریالیسم اطلاعاتی ایالات متحده به یک خطر جهانی تبدیل شده بود و در طول این سال‌ها، ۸۰ درصد از فیلم‌های جهان، ۷۵ درصد برنامه‌های تلویزیونی و ۵۰ درصد فیلم‌های سینمایی متعلق به ایالات متحده بود. در دوران پراسترویکا و اصلاحات، اکثریت جامعه روسیه نیز به جمع تماشاگران برنامه‌های آمریکایی پیوستند (اوستافیف، ۲۰۲۱).

عامل مهمی دیگری که در این دوره برای مبارزه با فرهنگ روسیه از آن استفاده شد، لطمه به زبان روسی بود. این ضربه بسیار شایان توجه است زیرا زبان روسی حافظه ژنتیک روس‌ها بوده و هست. گسترش هجویات و اصطلاحات عامیانه، نام‌گذاری تمسخرآمیز ملیت‌های غیرروس و پیروان مذاهب دیگر، از جمله مواردی هستند که باعث آسیب‌رساندن به اصول زبان ملی و منجر به تنزل سطح ادبیات روسی شدند. اشتباهات گفتاری رواج پیدا کرده و رادیو، تلویزیون، موسیقی پاپ و شومن‌ها، مروج بی‌اخلاقی، ابتذال و سطح پایین زبان روسی هستند.

اگرچه نمی‌توان همه پدیده‌های منفی اجتماعی و فرهنگی روسیه را منحصرأ به توطئه نیروهای خارجی تقلیل داد؛ اما بدیهی است که آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در بی‌ثبات کردن وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی و سپس روسیه داشتند. در ضعف گفتمان فرهنگی کمونیستی دهه ۱۹۸۰ و خلأ ایدئولوژیک و فرهنگی دهه ۱۹۹۰، فضای فکری و فرهنگی روسیه در تسخیر گفتمان فرهنگی غرب‌گرا بود و برای دو دهه، جامعه روسی دچار بحران هویتی شد و در ناکامی دستیابی به آرمان‌های چپ و لیبرال، انسان و اجتماع روسی، بدترین دوران فکری، سیاسی و فرهنگی خود را سپری کرد. در چنین فضایی، بدیهی است که سیاست‌های دولت جدید در

سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ بر مدار نگاه به غرب و فرهنگ آن به‌عنوان یک تهدید تنظیم شود (دوتکیویچ، ۱۳۹۹).

با توجه به مفاد آیین‌نامه اجرایی قانونی می‌توان گفت که تهدید اصلی برای روسیه، ترویج ارزش‌های معنوی بیگانه با ذهنیت روسی، الگوهای مخرب زندگی، ایدئولوژی‌ها، اهداف و مسائلی است که مغایر با جامعه روسیه هستند. به اعتقاد آلکسی یفستافیف، تهدیدات اصلی داخلی برای معنویت روسیه امروز شامل مواردی چون فقدان سیستم مدون ارزش‌های معنوی ملی، تغییر شکل آگاهی عمومی در نتیجه تخریب خودآگاهی میهن‌پرستانه، معرفی کلیشه‌های فکری و شیوه زندگی بیگانه با ذهنیت ملی، انجام اصلاحات غیرموجه در زبان روسی، فعالیت رسانه‌های جمعی ضدروسی، عدم وجود سیستم دولتی برای حفاظت از آگاهی عمومی، نیهیلیسم (هیچ‌انکاری) معنوی شهروندان، تشکیل سیستم ارزش‌های مخرب و عدم وجود یک ایده ملی (ایدئولوژی) است (اوستافیف، ۲۰۲۱).

یفستافیف خاطرنشان می‌کند تهدیدات خارجی قابل توجهی که از طرف رقبای ژئوپلیتیک روسیه وجود دارد، باعث شده است تا خطر تهدیدات داخلی برای معنویت روسیه در شرایط کنونی دوچندان گردد. عمده‌ترین تهدیدات خارجی برای معنویت روسیه در حال حاضر II از تأثیر مخرب رقبای ژئوپلیتیک بر آگاهی عمومی جامعه روسیه از طریق جنگ اطلاعات، سیاست دولت‌های خارجی با هدف ترویج گسترده فرهنگ غربی در فضای معنوی ملی روسیه، نفوذ فرقه‌ها و مبلغان مذهبی، شبه‌مذهبی، سکولار و همچنین سازمان‌های افراطی و تروریستی در خاک روسیه و فعالیت آن‌ها برای ایجاد اختلافات قومی و دینی بین مردم روسیه (به‌وسیله گروه‌ها و اقلیت‌ها، ترویج احساسات ضدروسی و مخالفت بین مرکز و حومه)، حمایت از جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی، ترسیم تصویر منفی از روسیه به‌عنوان یک کشور متجاوز، ناقض معاهدات بین‌المللی و ... و بی‌اعتبارکردن و تحقیر تاریخ روسیه از دوران باستان تا قرن بیستم و فرهنگ روسی توسط رسانه‌های گروهی کشورهای خارجی (همان).

تهدیدات فرهنگی روسیه فقط در دو بخش داخلی و خارجی خلاصه نمی‌شوند؛ بلکه امنیت فرهنگی روسیه در حال حاضر با مخاطرات دیگری نیز مواجه است. تخریب آثار فرهنگی و آسیب دیدن میراث فرهنگی جهانی و ملی، جداکردن و تفکیک فرهنگ مدرن روسیه از مبانی

تاریخی آن مثلاً از فرهنگ شوروی جداسازی فرهنگ قومی اقوام، ملل و گروه‌ها از فرهنگ جهانی، محدودکردن یا تحمیل تماس‌های فرهنگی، ترویج فرهنگ جمعی خارجی (از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم فرهنگی) که با ارزش‌های معنوی جامعه و ویژگی‌های فرهنگ ملی در تضاد هستند و تأثیر مخرب مستقیم یا غیرمستقیم بر نهادهای اجتماعی که مروج میراث فرهنگی هستند یعنی آموزش و پرورش، خانواده، کلیسا، رسانه‌های گروهی و مراکز فرهنگی تخصصی (تئاتر، موزه، نمایشگاه‌ها و غیره). به اعتقاد کارشناسان روسی در عین حال، خطرناک‌ترین مسأله‌ای که آینده روسیه را تهدید می‌کند، امکان وقوع بحران انسانی در حوزه‌های زیر است: کاهش سطح فکری و فرهنگی جامعه، تنزل ارزش‌های اجتماعی پذیرفته‌شده و تحریف رهنمودهای ارزشی، افزایش پرخاشگری و عدم تحمل و بروز رفتارهای ضداجتماعی، تغییر شکل حافظه تاریخی، ارزیابی منفی دوره‌های مهم تاریخ ملی، گسترش باورهای دروغین در مورد عقب‌ماندگی تاریخی روسیه، گسست روابط اجتماعی (دوستانه، خانوادگی و همسایگی) و رشد فردگرایی و نادیده گرفتن حقوق دیگران (همان).

با مرور فرهنگ روسیه در سال‌های اخیر، روشن شد که سنت‌ها، ارزش‌ها و هویت فرهنگی آن، در سه دهه اخیر متأثر از فروپاشی شوروی و پایان عصر ایدئولوژی چپ برای این کشور، گرایش به غرب و الگوهای فرهنگی و اجتماعی آن در عصر اصلاحات گورباچف و دهه ۱۹۹۰ و جهانی‌شدن در ابعاد فرهنگی و ارتباطی آن، موجب تحولاتی در عرصه فرهنگی این کشور شده و همین موضوع نیز باعث نگرانی‌های مهمی از سوی نخبگان کشور شده و آن‌را به مقوله‌ای بنیادین برای نظام سیاسی و راهبرد امنیتی تبدیل کرده است.

چهار) فرهنگ روس به‌عنوان امری امنیتی شده

با وجود مسائل و مشکلاتی که در عرصه فرهنگی برای روسیه در دهه‌های اخیر پیش آمده؛ اما مسأله فرهنگ به‌عنوان یک عامل اساسی برای تأمین امنیت ملی قبلاً در چنین سطحی مطرح نشده بود. کوشکین تصریح می‌کند که پس از پایان جنگ جهانی دوم، آمریکایی‌ها نتایج جنگ و کل تاریخ هزارساله دولت روسیه را تجزیه و تحلیل کردند. مردم روسیه شوالیه‌های آلمانی را شکست داده و یوغ تاتار - مغول را شکسته بودند، ترکان، لهستانی‌ها، سوئدی‌ها، ژاپنی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها را شکست داده بودند، کمر فاشیست را شکسته بودند و به‌عنوان یک ملت

شکست‌ناپذیر در تاریخ باقی مانده بودند. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که سرکش‌ترین مردم روی زمین، روس‌ها هستند و مدرن‌ترین سلاح‌ها، تهدیدات فیزیکی، گرسنگی، سرما و سختی‌های دیگر، نمی‌تواند آن‌ها را از بین ببرد؛ بنابراین استراتژی جدیدی متولد شد که اگر نمی‌توانید مردم را از نظر جسمی بکشید، باید آن‌ها را از نظر روحی نابود کنید و این یعنی تخریب پایه‌های امنیت ملی روسیه آغاز و استراتژی جدیدی به نام «تهاجم فرهنگی» تدوین شد (کوشکین^۱، ۲۰۱۶: ۱۹-۲۰).

بنابراین می‌توان گفت که از نگاه دولتمردان روس، در حال حاضر از دست دادن هویت فرهنگی و فرسایش هسته فرهنگی مردم، بزرگترین تهدید برای کل امنیت ملی روسیه است. نگاهی به تاریخ بشریت از دوران باستان تا به امروز گواهی می‌دهد که به‌عنوان یک قاعده کلی، ملت‌هایی که فرهنگ ملی خود یعنی زبان، فولکلور، ادبیات، خط، شیوه زندگی، آداب و رسوم، سنن و حافظه تاریخی‌شان را از دست داده‌اند، نابود شده‌اند و برعکس، حتی شدیدترین شکست‌ها در جنگ‌ها و از دست دادن سرزمین منجر به تجزیه یک قوم و محو شدن آن‌ها از صحنه روزگار نشده است چرا که فرهنگ، نجات‌بخش آن‌ها بوده است.

در همین حال، امروزه بدیهی است که اگر توسعه تکنولوژی، اقتصادی، مالی و سیاسی روسیه، مبتنی بر بنیان‌های مستحکم فرهنگی و ارزشی نباشند، نمی‌تواند سطح لازم امنیت ملی را تأمین نماید (کوستینا^۲، ۲۰۲۰: ۱۰). در راهبرد امنیت ملی جدید روسیه آمده است «تهدیدات امنیت ملی در زمینه فرهنگ، تخریب ارزش‌های معنوی و اخلاقی سنتی روسیه و تضعیف وحدت جامعه چندملیتی فدراسیون روسیه، تضعیف مبانی دینی، ازدواج و ارزش‌های خانوادگی در جهت سقوط معنوی و اخلاقی، ترویج ارزش‌های بیگانه، تغییر و تجدیدنظر در موازین اخلاقی، تشویق رفتارهای مخرب، اصلاحات در حوزه‌های آموزشی، دینی، فرهنگی، زبان و رسانه و همچنین شکاف نسل‌ها است.»

در راهبرد امنیتی جدید روسیه حفاظت از ارزش‌های سنتی، معنوی، اخلاقی، فرهنگ و حافظه تاریخی روسیه مدنظر قرار گرفته و در ۱۴ بند و ۳ صفحه تدوین شده است. در راهبرد جدید ضمن اشاره به تغییرات دنیای معاصر و تأثیرات آن بر ارزش‌های انسانی و تخریب پایه‌های اخلاقی و

1. Кошкин
2. Костина

فرهنگی جامعه تصریح شده است که مبانی دینی، ازدواج و ارزش‌های خانوادگی بیشتر مورد هجوم هستند و این امر می‌تواند منجر به سقوط معنوی و اخلاقی گردد. یکی از جدی‌ترین تهدیدات فرهنگی که در این سند مورد توجه قرار گرفته است، ترویج ارزش‌های بیگانه، تغییر و تجدیدنظر در موازین اخلاقی، تشویق رفتارهای مخرب، اصلاحات در حوزه‌های آموزشی، دینی، فرهنگی، زبان و رسانه و همچنین شکاف نسل‌ها است. در بند ۸۷ آمده است «ایالات متحده و متحدانش و همچنین شرکت‌های فراملیتی و مؤسسات خارجی با هجوم فرهنگی خود قصد دارند ارزش‌های سنتی، معنوی، اخلاقی، تاریخی و فرهنگی روسیه را تحت تأثیر قرار دهند و با هجوم رسانه‌ای و روانی درصدد هستند تا دستورالعمل‌های اجتماعی و اخلاقی مغایر با اعتقادات و باورهای اقوام روسیه را منتشر سازند. جعل تاریخ، غربی‌سازی فرهنگ، برانگیختن مناقشات بین قومی و دینی، بی‌اعتبار کردن مذاهب سنتی روسیه، فرهنگ و زبان رسمی کشور از دیگر اقداماتی هستند که امنیت ملی روسیه در حوزه فرهنگ را تهدید می‌نمایند (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۲۱).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سند، تبیین ارزش‌های روسیه در بند ۹۱ است «حیات، شایستگی، حقوق و آزادی‌های انسانی، وطن‌پرستی، انسانیت، خدمت به وطن و مسئولیت نسبت به سرنوشت آن، ایده‌آل‌های والای اخلاقی، خانواده مستحکم، کار سازنده، اولویت معنویات بر مادیات، نوع‌دوستی، شفقت، عدالت، جمع‌گرایی، کمک و احترام متقابل، حافظه تاریخی و پیوستگی نسل‌ها و وحدت اقوام روسیه» از جمله اصلی‌ترین ارزش‌های روسی هستند که منجر به وحدت کشور چندقومی و چنددینی روسیه می‌شوند (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۲۱). البته اشاره‌ای به فرقه‌های مذهبی و نقش آن‌ها در تاریخ روسیه نشده است. قطعاً در این راستا ارتدوکس به‌وضوح نقش دولت‌سازی را ایفا کرده است و در کنار آن، باید از ملت روسیه نیز نام برد. آلکسی پادبرزکین، مدیر مرکز مطالعات نظامی و سیاسی MGIMO تصریح می‌کند که در راهبرد جدید، رابطه متقابل بین مسأله امنیت و توسعه اقتصادی - اجتماعی شکل گرفته است. به گفته وی، این نکته در سند به‌صورت کاملاً مشخص ذکر شده است و امنیت بدون توسعه اقتصادی - اجتماعی بی‌معناست. از نظر پادبرزکین نکته قابل تأمل در راهبرد جدید آن است که «برای اولین بار، سیستم ارزش‌های ملی یا ارزش‌های اخلاقی و معنوی به‌طور خاص مشخص شده‌اند».

همچنین در سند جدید راه‌کارهایی برای حفظ ارزش‌های روسیه با هدف تقویت وحدت اقوام بر مبنای هویت مدنی مشترک روسی ذکر شده است. نکته قابل توجه در این بخش تأکید ویژه بر چندقومیتی و چنددینی بودن جامعه روسیه است و راه‌کارهای بیان‌شده، همگی در راستای تقویت حاکمیت فرهنگی و حفظ فضای واحد فرهنگی با وجود تمام تفاوت‌های ذکر شده است. از دیگر نکات قابل توجه می‌توان به استفاده از رسانه‌های جمعی، پروژه‌های اجتماعی و مؤسسات دینی جهت حفظ ارزش‌ها و حمایت ویژه از زبان روسی اشاره کرد (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۲۱).

در مجموع مهم‌ترین نکات ذکر شده در این بخش را می‌توان در توجه به مواردی چون توجه ویژه به فرهنگ، ارزش‌های اخلاقی، معنوی، تاریخی و سنتی، اخلاق‌مداری و مبارزه با ارزش‌های بیگانه، کانون خانواده و ارزش‌های خانوادگی، وحدت اقوام و نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ خودی خلاصه کرد. نکته جالب اینکه مطالب ذکر شده در راهبرد جدید پیرامون حفظ ارزش‌های سنتی کاملاً منطقی هستند چراکه «بشریت با خطر ازدست‌دادن رهنمودهای معنوی، اخلاقی، سنتی و اصول اخلاقی پایدار مواجه شده است». در این بخش دو مسأله حائز اهمیت می‌باشد؛ نخست جنبه‌های منفی ذکر شده در رابطه با هنجارهای اساسی، مبانی مذهبی، نهادها و ارزش‌ها و دیگری، مسأله تحمیل آرمان‌ها و ارزش‌های بیگانه در زمینه آموزش، علوم، فرهنگ، دین و زبان «که منجر به افزایش ناهماهنگی و قطبی‌شدن جوامع ملی می‌شود، بنیان حاکمیت فرهنگی را از بین می‌برد و پایه‌های ثبات سیاسی و دولتی را تضعیف می‌کند».

ارزیابی‌ها حکایت از آن دارد که ورود به این حوزه دشواری‌های خاص خود را دارد و برخی حوزه‌ها حتی می‌توانند بن‌بست باشند. برای نمونه اگر قرار باشد محصولات هالیوودی در بخش سینمایی حذف شوند، آیا می‌توان جای خالی آن‌را با فیلم‌های خارجی با محتوای مناسب پر کرد؟ اما در راهبرد امنیتی به صراحت گفته شده است که «جنگ اطلاعاتی و روانی و غربی‌شدن فرهنگ، خطر ازدست‌دادن حاکمیت فرهنگی فدراسیون روسیه را افزایش می‌دهد. تلاش‌ها برای جعل تاریخ روسیه و جهان، تحریف حقایق تاریخی، تخریب حافظه تاریخی و تحریک درگیری‌های قومی و دینی» ادامه دارد و نفوذ فرهنگی، نقش مهمی در این انحرافات دارد.

نکته قابل توجه آنکه اگرچه در راهبرد امنیتی جدید، بخش مجزایی به حوزه فرهنگ اختصاص داده شده است؛ اما در بخش‌های دیگر سند نیز رویکرد فرهنگی قابل مشاهده است و تقریباً در تمام

فصول دیگر، به حوزه‌های فرهنگی یا رابطه فرهنگ و تأثیر آن بر حوزه‌های دیگر اشاره شده است. به‌عنوان نمونه، در بخش دوم (روسیه در دنیای معاصر) بند ۱۱ و ۲۲ به دفاع از ارزش‌های معنوی و اخلاقی و حفظ اصالت و فرهنگ اختصاص دارد. همچنین در بندهای ۲۵-۷، ۲۶-۱ و ۲۶-۸ در بخش سوم (منافع ملی و اولویت‌های راهبردی) بر تقویت ارزش‌های سنتی، اخلاقی و معنوی و حفظ میراث فرهنگی و تاریخی ملت روسیه تأکید می‌شود (استراتژی امنیت ملی، ۲۰۲۱).

از این رو، به‌نظر می‌رسد توجه به فرهنگ و سنت‌ها و ارزش‌های مذهبی و تاریخی روسیه در سند راهبرد امنیت ملی جدید روسیه موضوعی بسیار مهم بوده و برخی تحلیل‌گران نیز از امنیتی‌شدن فرهنگ سخن گفته‌اند. مفاد سند مذکور نشان داد که در کنار توجه به تهدیدات سخت‌افزاری برای دولت، تهدیدات نرم‌افزاری نیز بسیار جدی انگاشته و تلاش شده تا برای تأمین و تضمین امنیت ملی راهکارهای مؤثری ارائه شود.

پنج) تحلیل یافته‌ها؛ کارکرد فرهنگ برای دولت روسیه

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به تعبیر نیکلای بردیایف - فیلسوف روس - یک دگرگونی بنیادین نبود بلکه ریشه‌های کمونیسم روسی در درون فرهنگ کهن مردمان روس و نیز تحولات فکری سده نوزدهم جای داشت و با انقلاب ۱۹۱۷ صرفاً برخی از وجوه این پدیده کهن نمایان شد (بردیایف، ۱۳۸۳). در دوره شوروی، با همه تلاش بلشویک‌ها برای ساختن انسان طراز نوین سوسیالیستی براساس آموزه‌های مارکس، همچنان این نظام به بازتولید ساختارها و انسان‌های عصر تزاری ادامه می‌داد از این رو، هم در ساختار نظام سیاسی و هم در سیاست خارجی و راهبرد امنیتی آن، کمابیش آن‌را در تداوم اعصار پیشین می‌دانستند.

در روسیه پس از فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ و در عصر یلتسین، کوشش مهمی برای پیوستن به جهان غرب و ترویج فرهنگ غربی انجام شد؛ اما این کوشش‌ها صرفاً سطح و ظاهر پدیده‌ها را متأثر می‌ساخت از این رو، به محض اینکه مجالی پیدا شد، نظام سیاسی و رفتارهای آن در حوزه سیاست و امنیت به بازتولید گذشته روی آورد و از سال ۲۰۰۰ تا کنون (۲۰۲۱)، می‌بینیم که پوتین در قامت تزارها ظاهر می‌شود و در نظرسنجی‌ها نیز شخصیت‌های سیاسی چون ایوان مخوف و استالین در شمار محبوب‌ترین‌ها هستند (ایرنا، ۱۳۹۸) و سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی روسیه نیز کمابیش نمایانگر بسیاری از دغدغه‌های گذشته است.

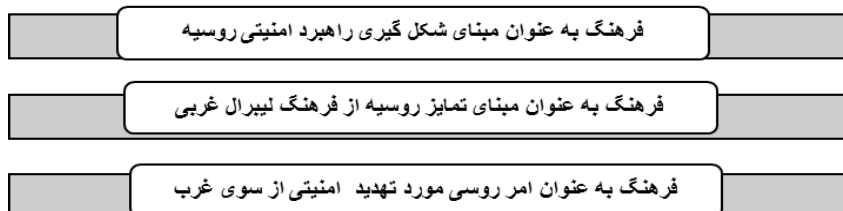
بر این اساس، می‌توان دریافت که فرهنگ روس و تأثیر آن بر امنیت ملی موضوعی است که از گذشته به اشکال مختلف مطرح بوده و در دوره جدید نیز برای تقویت قدرت دولت و افزایش جایگاه آن نزد مردم به موضوع فرهنگ توجه زیادی می‌شود. این موضوع حتی در اسناد راهبردی ملی نیز مغفول نمانده و پایه‌پای ناامیدی دولت روسیه از غرب و افزایش نگرانی‌های امنیتی، توجه به فرهنگ روس، ارزش‌ها و سنت‌های آن به‌عنوان مبنایی برای قدرت ملی، تقویت انسجام ملی و تأمین امنیت ملی بسیار پررنگ‌تر از گذشته شده است.

در مورد رابطه فرهنگ و راهبرد امنیت ملی روسیه می‌توان در سه وجه، به این رابطه توجه کرد:

الف) نقش فرهنگ، ارزش‌ها و سنت‌های روسی به‌عنوان مبنایی برای شکل‌دهی به سیاست و امنیت روسیه؛

ب) جایگاه فرهنگ به‌عنوان مبنای تمایز و دوری روسیه از فرهنگ و سیاست غربی و

ج) مسأله فرهنگ، ارزش‌ها و سنت‌های روسی به‌عنوان یک امر مورد تهدید امنیتی از سوی غرب.



شکل ۴. جایگاه فرهنگ در راهبرد امنیتی روسیه

منبع: نگارندگان

در نظام سیاسی روسیه پس از دوره ناکام یلتسین در دهه ۱۹۹۰ که با مشکل نابسامانی اقتصادی، ناامنی سیاسی و امنیتی و تحقیر بین‌المللی کشور روبرو شد، از سال ۲۰۰۰ و در آستانه هزار جدید، دولت مردان بعدی بر استبداد قانون و مردم‌سالاری حاکمیتی تأکید و دموکراسی روسی را متمایز از غرب مطرح کرده و کوشیدند تا در پاسخ به اتهامات محافل فکری لیبرال و غرب‌گرا که آن‌را به احیای تزاریسیم، استالینیسیم و فاشیسم متهم می‌کردند، به تدریج مبانی فکری جدیدی برای این‌گونه نظام سیاسی ایجاد کنند (شکویی، ۱۳۹۹) از این رو، ایده‌های متفاوتی چون اوراسیاگرایی

(کوروستلوا و پیکین^۱، ۲۰۲۰)، نظریه چهارم سیاست (دوگین، ۱۳۹۱) یا اندیشه بومی سیاست روسی (اندیشه ایلین) در دستور کار قرار گرفته و در متون درسی، فضای رسانه‌ای و مناسبت‌های ملی تبلیغ می‌شود (اسنایدر، ۱۳۹۸: ۲۸). مبنای مشترک همه این اندیشه‌ها بر خلوص بومی و مذهبی و سستی روسیه، دولت‌گرایی و غرب‌ستیزی متکی بود از این رو، فرهنگ، ارزش‌ها، سنت‌ها، تجربیات تاریخی و هویت ملی، به‌عنوان بنیان نظام سیاسی، راهبرد سیاست خارجی و امنیت ملی بودند.

طبعاً در عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات در پرتو فناوری‌های ارتباطی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نظام‌های سیاسی غیرغربی از جمله روسیه با مشکلات زیادی روبرو هستند؛ بنابراین بهترین امکان برای توجیه افکار عمومی و تقویت فرهنگ سیاسی ملی آن است که بر تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی با غرب تأکید شود تا معیارها و ملاک‌های ارزیابی و سنجش در اذهان عمومی ملت، از آنچه که در عرصه رسانه‌ای غرب‌محور و جهانی شده دور شده، با پیمان‌های ملی ارضیابی شود. در این رابطه، دولت روسیه در دو دهه اخیر کوشیده تا از یک سو، انحراف، از خودبیگانگی و بی‌هویتی در غرب را نشان دهد و در سوی دیگر، خلوص و منحصر‌به‌فرد بودن فرهنگ و سنت‌های روسی و چشم‌انداز مثبت آینده آن‌را برای افکار عمومی توضیح دهد تا اهداف، مسیر و چشم‌انداز حرکت تاریخ از نگاه انسان روسی، جدا از روند لیبرال دموکراسی غربی ترسیم شود و کمابیش مانند سده ۱۹ و ۲۰ میلادی، غرب را انحرافی از روند محتوم تاریخ و انحطاط بیندارند (اسنایدر، ۱۳۹۸: ۳۳).

اما فرهنگ در نظام سیاسی و راهبرد امنیتی کرملین چهره و نشان‌های دیگری نیز دارد که آن‌را چونان هدفی برای اقدامات سیاسی، فرهنگی و امنیتی غرب و در معرض تهدیدات نرم می‌بیند. در این نگاه، هدف غرب نه تنها تهدید بقا و امنیت و موجودیت ملت، دولت و سرزمین روسیه، بلکه متوجه مبانی و وجوه فرهنگی و مذهبی مردمان روس است که به تعبیر ما ایرانی‌ها از طریق تهاجم فرهنگی غرب محقق می‌شود و وظیفه دولت روسیه و آماج راهبرد امنیتی آن، باید دفاع از این مبانی فرهنگی و سنت‌های تاریخی و داشته‌های ملی باشد تا امکان تداوم ملت، بازتولید سنت‌های کهن در قالبی نو و نوسازی وجوه بالندگی فکری و آرمانی هویت روسی فراهم آید از این رو، توجه به

1. Korosteleva & Paikin

مقاله فرهنگ در راهبرد امنیت ملی روسیه سه کارکرد مشخص دارد که در سند ۲۰۲۱ به آن توجه ویژه‌ای شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

آن‌گونه که در مباحث گوناگون این مقاله مطرح شد، توجه به امر فرهنگ در جامعه و سیاست روسیه موضوعی است که به‌ویژه در عملکرد دولت پوتین در دو دهه گذشته مغفول نمانده و دولت پوتین از فرهنگ برای مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی و توجیه رفتارهای آن از فرهنگ و سنت‌ها و ارزش‌های روس کم‌گرفته و از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ این روند بسیار فزاینده بوده است. تحقیر روسیه از سوی قدرت‌های غربی در بحران‌هایی چون بالکان از زمان فروپاشی یوگسلاوی و جنگ بوسنی و بحران کوزوو از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹، تجربه نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی داخلی و احساس غبن از در باغ سبز غربی در دوره پلتسین و سپس مداخلات غرب در حوزه نفوذ منطقه‌ای روسیه و بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، موجب شد تا توجه فزاینده به مبنای فکری بومی برای نظام سیاسی و رفتارهای آن شود.

مقاله فرهنگ و سنت‌ها و ارزش‌های روسی در سند راهبرد امنیت ملی سال ۲۰۲۱، بسیار اهمیت یافته و به‌طور جدی‌تری مطرح شده است. در این سند که برای یک دوره شش‌ساله تنظیم شده، یک مبحث مهم به امر فرهنگ اختصاص یافته و در آن بر مواردی چون تقویت یکپارچگی اجتماعی، حفاظت از حقیقت تاریخی، حفظ حافظه تاریخی، مقابله با جعل تاریخ، حفظ خانواده سنتی ارزش‌ها، تقویت آگاهی جمعی از نقش سنت‌ها و ارزش‌های معنوی، اخلاقی، فرهنگی و تاریخی، طرد ایده‌های تخریبی، کلیشه‌ها و مدل‌های تحمیل‌شده از خارج، توسعه سیستم آموزش و پرورش به‌عنوان بنیان شکل‌گیری شخصیت معنوی، اخلاقی و میهنی شهروندان، پشتیبانی از زبان روسی به‌عنوان زبان دولتی و محافظت از جامعه روسیه در برابر ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های فرهنگی بیگانه، اهمیت زیادی در راهبرد امنیتی این کشور دارند.

براساس مباحث مطرح‌شده در این سند می‌توان سه کارکرد مشخص را برای مقاله فرهنگ تشخیص داد که فرهنگ را چون مبنایی برای شکل‌دهی به امنیت، وجهی برای تمایز و دوری از غرب و امری مورد تهدید از سوی غرب در نظر می‌گیرد. کارکردهای فرهنگ در اینجا، ایدئولوژیک

و مشروعیت‌بخش، دگرساز و هویت‌بخش و امنیتی و در معرض تهدید انگاشته شده‌اند و با توجه به تغییر قانون اساسی این کشور در سال ۲۰۲۰ و تلاش برای تداوم حکومت پوتین تا سال ۲۰۳۶، این موضوع کاملاً قابل درک است که نظام سیاسی روسیه از مقوله فرهنگ در راستای فرهنگ سیاسی کهن این کشور از عصر تزاری تا دوره شوروی به‌عنوان بنیانی برای تحکیم اقتدار سیاسی بهره می‌گیرد.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. اسنایدر، تیموتی (۱۳۹۸)، در مسیر نآزادی، ترجمه هادی شاهی، تهران، کتاب پارسه.
۲. بردیایف، نیکلای (۱۳۸۳)، کمونیسم روسی و مفهوم آن، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، خورشیدآفرین.
۳. جوزف استالین همچنان محبوب مردم روسیه، گزارش نظرسنجی لوادا در ایرنا، ۱۳۹۸/۱/۳۰، <https://www.irna.ir/news/83284331>.
۴. دوتکیویچ و دیگران (۱۳۹۹)، روسیه پس از فروپاشی شوروی؛ مردم، جامعه و اصلاحات، ترجمه محسن شجاعی، تهران، نگارستان اندیشه و ایراس.
۵. دوگین، الکساندر (۱۳۹۱)، تئوری چهارم سیاست، روسیه و ایده‌های سیاسی قرن ۲۱، ترجمه مهناز نوروزی، تهران، نشر سلمان آزاده.
۶. شکیبی، ژند (۱۳۹۹)، روسیه و غرب‌انگاری، تهران، نگارستان اندیشه و ایراس.
۷. کنزشتاین، پیتر (۱۳۹۰)، فرهنگ امنیت ملی، ترجمه محمدهادی سمتی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
۹. ویلیامز، مایکل (۱۳۹۰)، فرهنگ و امنیت، ترجمه روح‌الله طالبی آرانسی و مرتضی نورمحمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع انگلیسی:

10. Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community, April 9, 2021, Available at: <https://www.dni.gov/files/ODNI/documents/assessments/ATA-2021-Unclassified-Report.pdf>
11. Bernstein, Danielle (2021), Russian Influence and Power, Gained from the Syrian Civil War, The Eurasia Center, Middle East Program, Available at: https://cdn.website-editor.net/9cbc1728769a439897acc7f1557971d9/files/uploaded/2021RussianInfluenceinSyria_5EHTyM7PTs6vGAWJESjJ.pdf
12. Bilandžić, Mirko (2018), Culture and national security: Contribution to critical security studies' discussions, *Studia Ethnologica Croatica* 30(1), Available at: <https://www.researchgate.net/publication/330657144/>
13. Buchanan, Elizabeth (2021).Russia's 2021 National Security Strategy: Cool Change Forecasted for the Polar Regions, Available at: <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/russias-2021-national-security-strategy-cool-change-forecasted-polar-regions/>
14. <https://nic-pnb.ru/raboty-molodyx-uchyonyx/kultura-i-ugrozy-naczionalnoj-bezopasnosti-strany/>
15. Kapoor, Nivedita(2021), Russia's new national security strategy, ATLANTIC FILES JUL 07 2021, Available at: <https://www.orfonline.org/expert-speak/russias-new-national-security-strategy/>
16. Kapoor, Nivedita(2021), Russia's new national security strategy, ATLANTIC FILES JUL 07 2021, Available at: <https://www.orfonline.org/expert-speak/russias-new-national-security-strategy/>

strategy/

17. Korosteleva, Elena & Zachary Paikin(2021), Russia between east and west, and the future of Eurasian order, International Politics, volume 58, Available at: <https://link.springer.com/article/10.1057/s41311-020-00261-5>
18. National Security Strategy of the Russian Federation, Available at: [http://publication.pravo.gov.ru/Document/View/0001202107030001/\[In Russian\]](http://publication.pravo.gov.ru/Document/View/0001202107030001/[In Russian])
19. Paul, Anirban (2019), "Russia and the 'Geo' of its Geopolitics", ORF Occasional Paper No. 202, July 2019, Observer Research Foundation, Available At: <https://www.orfonline.org/research/russia-and-the-geo-of-its-geopolitics-52857/>
20. Serebryany, Igor (2021), The National Security Strategy Has Been Retargeted From External Threats to Internal Ones, Expert.ru, Available at: <https://expert.ru/2021/07/6/strategiya-natsionalnoy-bezopasnosti-perenatselena-s-vneshnikh-ugroz-na-vnutrenniye/>
21. Trenin, Dmitri(20210, Russia's National Security Strategy: A Manifesto for a New Era, Carnegie Moscow Center, Available at: <https://carnegie.ru/commentary/84893/>
22. Zagorski, Andrei (2009), The Russian Proposal for a Treaty on European Security: From the Medvedev Initiative to the Corfu Process, In: IFSH (ed.), OSCE Yearbook 2009, Baden-Baden 2010, pp. 43-59, Available at: <https://ifsh.de/file-CORE/documents/yearbook/english/09/Zagorski-en.pdf>

منابع روسی:

23. Евстафьев А. Е., (2021), Культура и угрозы национальной безопасности страны, Available at: <https://nic-pnb.ru/raboty-molodyx-uchyonyx/kultura-i-ugrozy-nacjonalnoj-bezopasnosti-strany/>
24. Костина А. В., Макаревич Э. Ф., Карпунин О. И., Луков В. А., (2020) Культура как фактор национальной безопасности современной России: значение и ролевая модель. Москва.
25. Кошкин Р.П., (2016), "Влияние культуры, образования и воспитания на национальную безопасность", Стратегические приоритеты. № 4.
26. Сапрыкин В.А., (1997), Культура – фундамент национальной безопасности России Available At: http://old.nasledie.ru/oboz/N07_97/7_10.HTM
27. Сергиевская Наталия, (2021), Будет способствовать сбережению народа России: Путин утвердил новую Стратегию нацбезопасности России, Available at: <https://russian.rt.com/russia/article/881375-putin-nacionalnaya-strategiya-rossii/>
28. Стратегия национальной безопасности Российской Федерации, Available at: <https://www.garant.ru/hotlaw/federal/1472577/>